

تحلیل بازیگران نظامی جنگ زمینی احتمالی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: منطقه شرق و جنوب شرق کشور)

سیدعلیرضا قاضی میرسعید^{۱*}

حمیدرضا فرتوک زاده^۲

حسین ولیوند زمانی^۳

سیداصغر جعفری^۴

ابوالفضل باقری^۵

چکیده

از پیچیدگی‌های جنگ‌های زمینی آینده، وجود بازیگران متنوع و نیروهای نظامی و غیرنظامی درگیر در جنگ است و این تنوع، موجب افزایش ابهامات و عدم قطعیت‌ها در چگونگی جنگ‌های آینده می‌شود. آمادگی برای مقابله با جنگ‌های زمینی احتمالی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق کشور در وضعیت معماگونه و ناپایدار کشورهای همسایه شرقی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت کامل بازیگران اصلی جنگ است. بنابراین مساله اصلی این تحقیق، ابهام در تعداد و نوع بازیگران درگیر در جنگ زمینی آینده در این منطقه است. این تحقیق کاربردی، با رویکرد کیفی انجام شده و جمع آوری داده‌ها از طریق تشکیل یک پنل تخصصی شامل ۲۲ نفر از خبرگان حوزه جنگ و مصاحبه با تعداد ۹ نفر از مسئولین ارشد مرتبط که به وضعیت منطقه یاد شده اشرافیت داشتند، انجام شده است و سپس با استفاده از فرآیند تحلیل بازیگر، بازیگران اصلی در جنگ زمینی احتمالی آینده در این منطقه شناسایی و در پنج دسته، طبقه‌بندی شدند و سپس نقش هر دسته از بازیگران مشخص گردید.

واژه‌های کلیدی:

تحلیل بازیگر، بازیگران جنگ، جنگ آینده، تحلیل ذینفع، جنگ زمینی.

۱. مربی دانشگاه افسری امام علی (ع)

۲. دانشیار دانشگاه مالک اشتر

۳. استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا

۴. استادیار دانشگاه مالک اشتر

۵. استادیار دانشگاه مالک اشتر

مقدمه

تحولات شگرف پس از فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد و ارائه استراتژی نظم نوین جهانی از سوی ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرت هژمون، همراه با تحولات به وجود آمده در منطقه خلیج فارس و حمله عراق به کویت و به دنبال آن دخالت سازمان ملل و حمله نظامی ۲۹ کشور متحد به عراق به سرکردگی آمریکا، ظهور طالبان و حمله آمریکا به افغانستان، حملات تروریستی القاعده و همچنین اقدامات وحشیانه داعش در سوریه و عراق، حمله عربستان به یمن و تلاش‌های وهابیت در کشورهای همسایه ایران و بسیاری موارد دیگر، فضاهای پیچیده و مبهمی را در مباحث سیاسی، امنیتی و بین‌المللی به وجود آورده است.

از طرفی هر منطقه از جهان در حال تجربه تهدیدات جدیدی است و به اشکال جدیدی از امنیت نیاز دارد. این نقش جدید بازیگران غیر دولتی، و تأکید جدید روی جنگ نامتقارن و رشد مناقشات و نبردهای شهری، نیاز به تفکر و تجدیدنظر درباره هر شکلی از همکاری و مشارکت در ایجاد امنیت ملی است. همچنین باید اقداماتی فراتر از محدودیت‌های انقلاب در امور نظامی انجام داد که می‌توان به آن انقلاب در امور نظامی- شهری اطلاق کرد (Cordesman, 2015).

جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ تاکنون، همواره با تهدید نظامی مواجه بوده است و در سال‌های اخیر، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با گسترش حضور خود در کشورهای مرزی ایران و در پیش گرفتن رفتارهای خصمانه نسبت به ایران و تشدید تهدید به گزینه نظامی به بازیگران تأثیرگذار بر وقوع جنگ احتمالی علیه ج.ا.ایران تبدیل شده‌اند. لذا مساله این تحقیق، تحلیل بازیگران اصلی جنگ‌های زمینی احتمالی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف شناسایی بازیگران احتمالی آینده، نقش آنها و روابط حاکم بین بازیگران می‌باشد و به دلیل گستردگی مرزهای جمهوری اسلامی ایران، منطقه شرق و جنوب شرق کشور مورد مطالعه قرار گرفته است.

اوضاع پیچیده منطقه غرب آسیا به ویژه شرق جمهوری اسلامی ایران، وجود تحرکات نظامی زیاد در داخل همسایگان شرقی و راهبردهای جنگ طلبانه و خصمانه قدرت‌های بزرگ در این منطقه، نشان‌دهنده این است که این منطقه مستعد ایجاد مناقشه و جنگ است و از نظر بازیگران اصلی شرکت‌کننده در منازعات احتمالی آینده دارای ابهام و عدم قطعیت می‌باشد. لذا انجام این تحقیق موجب می‌شود که نیروهای مسلح نسبت به دشمنان و شیوه‌های جنگیدن

آنها آشنا باشند و آمادگی لازم برای ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از غافل‌گیری فراهم گردد و قابلیت‌سازی در مقابل توانمندی‌های دشمنان ساده‌تر باشد.

عدم توجه به این تحقیق موجب می‌شود نیروهای مسلح ما، در مواجهه با مناقشات احتمالی آینده در این منطقه که مملو از ابهام، پیچیدگی و عدم قطعیت است و در مقابل اقدامات متنوع و تجاوزکارانه بازیگران نامشخص احتمالی آینده، دچار غافل‌گیری راهبردی اطلاعاتی و عملیاتی شوند. بنابراین سؤالات پژوهش به شرح زیر بیان می‌گردد:

- ۱- بازیگران جنگ زمینی احتمالی آینده علیه ایران و دسته‌بندی آنها در منطقه شرق و جنوب شرق ایران کدامند؟
- ۲- نقش هر یک از بازیگران جنگ زمینی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران چیست؟
- ۳- روابط حاکم بین بازیگران جنگ زمینی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جنگ زمینی آینده

به گفته متخصصان جنگ‌های زمینی، قطع نظر از دگرگونی‌های پدیدآمده در عرصه فناوری‌های پیشرفته، هنوز این نیروهای زمینی هستند که باید به اهداف نظامی دست یابند. اکثر جنگ‌هایی که پس از پایان جنگ سرد تا به حال رخ داده وابسته به نیروهای زمینی بهره‌مند از پشتیبانی سایر نیروها بوده است. اما جنگ‌های زمینی آینده متأثر از تحولاتی است که در سرشت جنگ در ابعاد گوناگون رخ می‌دهد و این تحولات سبب خواهد شد که شیوه‌های پیشین جنگیدن و هدایت عملیات نظامی دچار دگرگونی گردد. همچنین موجب پدید آمدن منطقه نبرد گسترده‌تر و همچنین یکپارچه‌تری خواهد بود که در آن نیروهای زمینی، دریایی و هوایی همکاری هرچه نزدیک‌تری با هم دارند.

جنگ‌افزارهای دقیق، پنهان‌کاری و فناوری پیشرفته برای مشاهده روشن‌تر صحنه نبرد و ارتباط‌گیری سریع‌تر با نیروهای نظامی، اصلی‌ترین فناوری‌های نظامی لازم برای این تغییرات هستند. البته باید در نتیجه این فناوری‌های تازه، آموزه‌های نظامی هم دگرگون شود. ارتش‌های آینده اساساً بر نیروهای حرفه‌ای با تحصیلات لازم و نه نیروهای وظیفه تکیه خواهند داشت. همچنین در جنگ‌های آینده، تصمیم‌گیری متمرکز باید در جهت عدم تمرکز خاص عصر اطلاعات، دگرگون شود. از لحاظ نظری، فناوری‌های نظامی پیشرفته‌تر، به نیروهای خط

مقدم اجازه خواهد داد تا به اندازه ژنرال‌ها از میدان نبرد با خبر باشند. لذا باید سازمان‌های نظامی با قائل شدن ابتکار عمل بیش‌تر برای نیروهای خط مقدم، لایه‌زدایی شوند؛ لازم است افزایش مسئولیت‌ها در رده‌های پایین‌تر سلسله مراتب با تقویت سطح مهارت‌ها همراه شود. همچنین، سازمان‌های نظامی جدید باید از طریق "واحدبندی انعطاف‌پذیر نیروها" آن اندازه انعطاف‌پذیر باشند که به سرعت از نوعی واحدبندی به نوعی دیگر بروند تا مجموعه‌ای از نیروها پدید آید که مناسب انجام انواع مأموریت‌ها باشد (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱).

بازیگران جنگ

هر مناقشه‌ای بین تعدادی بازیگر یا کنشگر در می‌گیرد و نوع مناقشه متأثر از تعداد، نوع و راهبردهای بازیگران است (Cerny, 2000: 623). بطور مثال مارتین شولتس در مقاله خود ضمن هشدار وجود یک رقابت و مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه، آمریکا، عربستان سعودی و داعش را سه بازیگر کلیدی آینده خاورمیانه معرفی می‌نماید (Schulz, 2017). لذا در این مقاله، بازیگران جنگ، کنشگرانی هستند که بطور مستقیم یا غیرمستقیم در جنگ مشارکت دارند.

تحلیل بازیگر

بازیگران یا ذی‌نفعان از نظر ریچارد ادوارد فریمن چنین تعریف می‌شود: "هر گروه یا فردی که بتواند اهداف سازمان را تحت تأثیر قرار دهد یا تحت تأثیر قرار گیرد" (فیروزنیا و قرنی آرانی، ۱۳۹۴: ۸۹۵).

واژه "Stakeholder" را در زبان فارسی می‌توان به دو گروه عمده مجزا تقسیم کرد: ذی‌نفع و بازیگر. ذی‌نفعان صرفاً گروهی هستند که مستقیماً تأثیرپذیرند و از منافع شرکت، بنگاه، پروژه و برنامه منتفع می‌شوند و یا ذی‌نفعان گروه‌هایی هستند که یک منفعت، یا سهمی در فرایند تصمیم‌گیری دارند، اما ابزارهای نسبتاً کمی برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری یا سیستم دارند (فیروزنیا و قرنی آرانی، ۱۳۹۴: ۸۹۶). ولی بازیگران افراد یا گروهی هستند که علاوه بر منتفع شدن از منافع عمدتاً نقش‌آفرین‌اند. در این مقاله واژه‌های ذی‌نفع، کنشگر و بازیگر هم معنا با تعریفی که از بازیگر ارائه شد در نظر گرفته شده است.

در فعالیت مشارکتی اغلب بازیگران بر اساس یک مبنای سست و موقتی شناسایی و انتخاب می‌شوند. این مسئله امکان زیادی برای به حاشیه راندن گروه‌های مهم، منحرف ساختن نتایج و به خطر انداختن اعتبار بلندمدت و پشتیبانی از فرایند دارد. به این دلیل، روش‌هایی که بتوانند

بازیگران یک فعالیت مشارکتی و اجتماعی را بطور نظام‌مند شناسایی و تحلیل نمایند، تحت عنوان "تحلیل بازیگر" مطرح شدند. تحلیل بازیگر ریشه در یک روش معروف‌تر به نام تحلیل ذینفع دارد (Grimble et al, 1997: 173-193). تحلیل ذینفعان برای نخستین بار در مطالعات کسب‌وکار و به تدریج از دهه‌ی ۱۹۷۰ در سایر زمینه‌ها به کار گرفته شد. تحلیل ذینفعان به طیفی از ابزارها یا رویکردها برای درک یک سامانه با شناسایی بازیگران اصلی یا ذینفعان بر اساس صفات، روابط متقابل و ارزیابی منافع مربوط به آنها اشاره دارد. یکی از جنبه‌های اصلی تعامل ذینفعان، موضوع مشارکت از جمله مشارکت عمومی است. ذینفعان ممکن است قدرتی نداشته باشند، اما مشارکت‌شان ضروری است (فیروزنیا و قرنی آرانی، ۱۳۹۴: ۸۹۶).

بر این اساس می‌توان اظهار کرد که «تحلیل ذینفعان فرآیندی است که بر اساس آن ذینفعان (بازیگران) شناسایی شوند؛ نقش و سهم آنان در برنامه یا پروژه مشخص گردد؛ نفوذ حقوق و رفتار آنان در تعامل با سایر ذینفعان و بازیگران (روابط) تحلیل شود؛ اولویت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری ذینفعان مشخص شود؛ و در نهایت راهبردهای مورد نیاز تدوین شود و برنامه یا پروژه به اجرا درآید».

همچنین ریید^۱ تحلیل بازیگر را به صورت فرایندی این‌طور تعریف می‌کند: (۱) جنبه‌های یک پدیده اجتماعی و طبیعی را تعریف می‌کند که تحت تأثیر یک تصمیم یا اقدام قرار دارند؛ (۲) افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی را شناسایی می‌کند که تحت تأثیر تصمیمات قرار داشته و یا می‌توانند بر آن بخش‌های پدیده تأثیر بگذارند (این مسئله می‌تواند شامل نهادها و نسل‌های آینده باشد)؛ و (۳) اولویت این افراد و گروه‌ها برای مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری را مشخص می‌نماید (Reed et al, 2009: 1933-1949).

روش‌هایی برای تحلیل بازیگر

روش‌های متعددی برای تحلیل بازیگر وجود دارند. در عمل، اکثر رویکردهای تحلیل بازیگر ریشه در متون مدیریت استراتژیک دارند. اینکه در عمل چه روشی برای تحلیل‌گران مناسب است، به شرایط مسئله بستگی دارد، از جمله این شرایط می‌توان به کیفیت تحلیلی، تمرکز روش، ابعاد و مفاهیمی که پوشش می‌دهد، اشاره کرد. در نتیجه ویژگی‌های یک روش تحلیل بازیگر باید مطابق با نیازها و محدودیت‌هایی باشد که نشأت گرفته از موقعیتی است که در آن تحلیل‌گران خودشان را می‌یابند. یکی از روش‌هایی که می‌توان از آن در تحلیل بازیگران

^۱. Reed

استفاده کرد، برگزاری کارگاه‌های مشورتی با حضور گروه‌های همگن است. استفاده از این شیوه یا گروه‌های کانونی می‌تواند زمینه شناخت بهتری را از بازیگران و روابط میان آنها و نقش و منافع آنها فراهم آورد (Jepsen, Eskerod, 2009: 335-343). در ادامه به معرفی تعدادی از نوع شناسی‌های موجود برای تحلیل بازیگر (ذینفع) پرداخته می‌شود:

- نوع‌شناسی روش‌های تحلیل ذینفع بر اساس نظر ریید و همکاران
ریید و همکاران (۲۰۰۹) در نوع شناسی خود روش‌ها را بر اساس معیارهایی نظیر منطق، نوع کارکرد و ... تقسیم‌بندی می‌نماید، این روش‌ها می‌توانند به شناخت بهتر و انتخاب دقیق‌تر روش‌های تحلیل بازیگر در شرایط مختلف منجر شوند (جدول ۱). این روش‌ها را می‌توان بر اساس دسته‌های (۱) شناسایی ذینفعان؛ (۲) تمایز و دسته‌بندی ذینفعان؛ و (۳) بررسی روابط بین ذینفعان تقسیم‌بندی نمود.

جدول (۱) روش‌های علمی تحلیل ذینفعان (Reed et al, 2009)

ضعف	قوت	گام‌ها					شرح	روش
		ارائه راهبرد	اولویت‌بندی	شناسایی روابط	تعیین نفوذ	تنبه شناسایی		
نسبت به برخی جایگزین‌ها کمتر ساخت‌یافته است.	سریع و مقرون به صرفه؛ انعطاف‌پذیر	*	*	*	*	*	گروه کوچک توفان مغزی ذینفعان، منافع، نفوذ و دیگر صفات‌شان، و دسته‌بندی آنها	تشکیل گروه تمرکز
زمان‌بر و در نتیجه هزینه‌بر؛ دشوار برای رسیدن به اجماع بر سر طبقات ذینفعان	مفید برای بینش عمیق به روابط ذینفعان و مثلث‌بندی داده‌های جمع‌آوری شده در گروه‌های تمرکز			*	*	*	مصاحبه با ذینفعان برای بررسی و تکمیل داده‌های گروه متمرکز	مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته
امکان سوگیری و انحراف در نمونه‌گیری	آسان برای تأمین امنیت مصاحبه بدون مسائل حفاظت از داده‌ها			*	*	*	شناسایی بازیگران از طریق مصاحبه و دریافت نشانی و مشخصات سایر ذینفعان	نمونه‌گیری گلوله‌ی برفی
امکان به حاشیه راندن گروه‌های	امکان اولویت‌بندی	*	*	*	*	*	تشکیل ماتریس منافع و نفوذ	ماتریس‌های منافع-نفوذ

ذی نفعان	ذی نفعان؛ صریح ور وشن شدن پویایی قدرت						ذی نفعان	
دسته بندی ذی نفعان از طریق ذی نفعان	ذی نفعان بر اساس برداشت ذی نفعان دسته بندی می شوند	*	*	*	*	*	طبقه بندی ذی نفعان با کمک خودشان	
روش شناسی Q	گفتمان های مختلف اجتماعی یک موضوع را می توان شناسایی کرد و افراد را بر اساس خودشان درون این گفتمان ها دسته بندی کرد.	*	*	*	*	*	ذی نفعان اظهاراتی را مرتب می کنند که از اجتماع بزرگی بیرون کشیده شده است. تحلیل اجازه می دهد تا گفتمان اجتماعی شناسایی شود.	
ماتریس های ارتباط بازیگر	نسبتاً آسان، نیاز کمتر به منابع	*	*	*	*	*	ذی نفعان در یک ماتریس دویعدی طبقه بندی و روابط آنها توصیف می شود	
تحلیل شبکه ای اجتماعی	دستیابی به بینش درون مرز شبکه ای ذی نفعان و ساختار شبکه؛ ذی نفعان با نفوذ و حاشیه ای	*	*	*	*	*	شناسایی شبکه ای ذی نفعان و اندازه گیری پیوندهای بین آنها از طریق استفاده از مصاحبه/پرسشنامه ای ساختار یافته	

- نوع شناسی روش های تحلیل بازیگر بر اساس نظر هرمانز و دیگران

هرمانز^۱ و دیگران نیز یک دسته بندی از روش های تحلیل بازیگر برای حوزه سیاست گذاری پیشنهاد می دهد، او در کتاب خود به ۱۳ روش می پردازد و آنها را در ۷ دسته قرار می دهد. این دسته بندی ها عبارت اند از:

^۱. Hermans

۱. دسته تحلیل شبکه (تحلیل شبکه اجتماعی، تحلیل ذینفع)،
۲. روش‌های تحلیل بازیگر (تحلیل ذینفع)،
۳. مدل‌های نظریه بازی‌ها (تحلیل ابر بازی، تحلیل فوق بازی)،
۴. تحلیل رفتار متقابل (مدل‌های تحلیل رفتار متقابل، مدل‌های تبادل رأی)،
۵. تحلیل گفتمان (تحلیل استدلالی، تحلیل سیاست روایی، روش‌شناسی Q)،
۶. نگاشت شناختی (مصاحبه‌های شخصی Q، تحلیل شبکه بازیگر پویا (DANA))،
۷. استخراج اولویت (روش AHP) برای تحلیل بازیگر اشاره می‌کند (Hermans et al, 2009).

- نوع شناسی روش‌های تحلیل بازیگر بر اساس نظر هرمانز و تیسن می‌توان گفت که کامل‌ترین دسته‌بندی را هرمانز و تیسن^۱ بیان کرده‌اند. آنان در تحقیق خود بر اساس دسته‌بندی شبکه‌ها، برداشت‌ها، ارزش‌ها و منابع روش‌های تحلیل بازیگر را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کنند. آنها در روش‌شناسی خود یک سری مقتضیات را به طور خلاصه ارائه می‌دهند که روش‌های تحلیل بازیگر باید آنها را برآورده سازد. روش‌های تحلیل بازیگر باید:

۱. بینشی را برای ویژگی‌های بازیگران چندگانه درگیر ارائه دهند؛
 ۲. بر یک یا چند بُعد فرایندهای سیاست چند بازیگری (شبکه‌ها، ارزش‌ها، برداشت‌ها، منابع) تمرکز کنند؛
 ۳. فعالیت‌های تحلیلی خاصی را توصیف کنند، بدین معنا که روش‌ها یا کاربردهای گذشته را به طور مفصل توصیف می‌کنند تا به فرد اجازه دهند تا کاربردشان را بازسازی نمایند؛
 ۴. استفاده عملی برای تحلیل نقش بازیگران در سیاست‌گذاری دنیای واقعی را ثابت نمایند.
- این محققان با مروری بر متون تحلیل سیاست و پژوهش عملیاتی، هجده روش را شناسایی کرده‌اند، که به طور رضایت‌بخشی این مقتضیات را امتیازبندی می‌کنند. اگرچه تحقیق آنان کاستی‌هایی نیز دارد، اما می‌توان اطمینان داشت که چهار بُعد اصلی از فرایندهای چند بازیگری را پوشش داده و شامل روش‌هایی از حوزه‌های نظری مختلف می‌باشد. فلسفه نظریه ذی‌نفعان ایجاب می‌کند که ذی‌نفعان شناخته شوند و قدرت نفوذ آنها برای درک تأثیرشان بر پروژه‌ها بازنمایی شود. این دو ویژگی با هم می‌توانند در ساخت ماتریس دویبعدی نظیر قدرت/منافع، سه‌بعدی مانند قدرت/منافع یا مشابه این‌ها به کار روند (Ramos et al, 2011).

^۱. Thissen

جدول (۲) انواع نظریه‌های ذی‌نفعان (Horisch et al, 2014)

نوع نظریه	تمرکز
نظریه‌ی توصیفی/ تجربی ذی‌نفعان	توصیف چگونگی مدیریت؛ شناسایی ذی‌نفعان مربوط
نظریه‌ی ابزاری ذی‌نفعان	تأثیرهای مدیریت ذی‌نفعان بر پیشرفت اهداف مشترک
نظریه‌ی هنجاری ذی‌نفعان	بحث بر سر اهداف؛ بایدها و توصیه‌های هنجاری و اخلاقی
نظریه‌ی ترکیبی (یکپارچه) ذی‌نفعان	توجه به جنبه‌های توصیفی، ابزاری و هنجاری نظریه‌ی ذی‌نفعان با پیوندهای ناگسستگی

مدل‌های تحلیل بازیگر(ذی‌نفع)

یکی از مدل‌های پایه‌ای تحلیل ذی‌نفعان استفاده از جدول قدرت در مقابل علاقه است که در آن ذی‌نفعان در یک ماتریس دو در دو طبقه‌بندی می‌شوند. محورهای این جدول عبارت است از میزان توجه یا علاقه به سازمان و دیگری قدرت تأثیرگذاری بر سازمان. البته باید توجه داشت که قراردادن گروه‌های مختلف ذی‌نفع در خانه‌های این جدول و انتساب ایشان بدان، به معنای مطلق‌انگاری میزان علاقه و قدرت نیست بلکه در هر دو موضوع علاقه و قدرت طیفی از افراد قرار می‌گیرند. یعنی حتی در یک خانه از جدول نیز مقدار هر یک از دو متغیر برای ذی‌نفعان حاضر در آن خانه یکسان نیست؛ هر چند باید به مرزهای در نظر گرفته شده که موجب تغییر مفاهیم خانه‌ها می‌شوند توجه جدی مبذول داشت. نتیجه شناسایی ذی‌نفعان سازمان آن‌ها را در یکی از چهار طبقه مطابق شکل زیر قرار خواهد داد:

علاقه	نهادها	نقش آفرینان
	عوام	زمینه‌سازان
	-	قدرت
	-	+

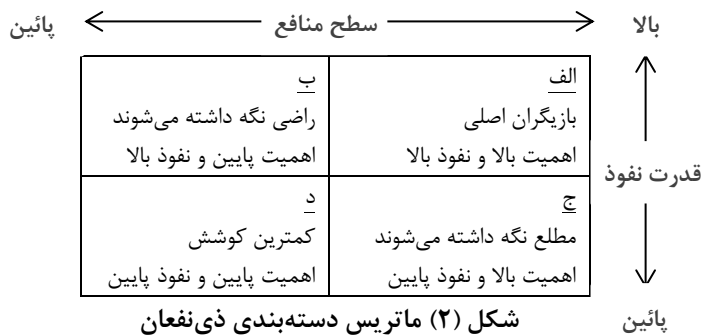
شکل (۱) چهار طبقه کلی از ذی‌نفعان

بدین گونه چهار طبقه کلی از ذی‌نفعان متناسب با سطح علاقه و قدرت‌شان شناسایی می‌شوند. این چهار طبقه را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد:

- نقش آفرینان: ایشان هم علاقه‌مندی زیاد و هم قدرت قابل توجه دارند که می‌توانند شامل گروه مدیران، مالکین یا سهامداران، سازمان‌های همکار یا رقیب و برخی از کارکنان سازمان باشند.

- نهادها: ایشان علاقه زیاد دارند اما قدرتشان اندک است که می‌توانند شامل گروه‌های مهم اجتماعی و شهروندی همچون NGOها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی، شوراها یا شهر یا شوراها محلی و حتی برخی دیگر از کارکنان سازمان باشند.
- زمینه‌سازان: این گروه قدرت دارند اما علاقه مستقیم آن‌ها اندک است که می‌تواند شامل دولت، سازمان‌های دولتی مانند اداره مالیات، شهرداری و بانک‌ها باشند.
- عوام: این گروه علاوه بر قدرت اندک، علاقه‌مندی کمی نیز دارند که بیشتر عامه مردم جامعه و افراد معمولی آن را در بر می‌گیرد (Bryson, 2003: 9-11).

یکی دیگر از مدل‌های تحلیل ذی‌نفعان، دستیابی به ماتریس دسته‌بندی ذی‌نفعان بر اساس اهمیت و نفوذ آنان است. تکمیل این ماتریس کمک می‌کند که فهرستی از بازیگران و ذی‌نفعان به تفکیک اهمیت و میزان نفوذشان تهیه شود (شکل ۲).



از این رو می‌توان گفت تحلیل ذی‌نفعان در هر برنامه و پروژه‌ای به شناسایی بازیگران و ذی‌نفعان، شناخت قدرت بازیگران و ذی‌نفعان مرتبط با پروژه، شناسایی کمک‌های مورد نیاز، شناخت انتظارات مربوط به پاداش برای مساعدت‌ها، و تصمیم‌گیری راهبردی برای ساماندهی استفاده از نفوذ بازیگران و ذی‌نفعان نیازمند است (Jepsen et al, 2009: 335-343).

گام‌های کلان تحلیل بازیگر

اگرچه روش‌های مختلف تحلیل بازیگر گام‌های متفاوتی را دارند، اما به طور کلی می‌توان به قدم‌هایی اشاره کرد که در هر تحلیل که نیازمند شناسایی بازیگران (ذینفعان) است باید طی شود. هرمانز و دیگران (۲۰۱۰) به شش گام در تحلیل بازیگر اشاره می‌کنند، که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. تدوین مسأله به صورت یک نقطه آغاز؛

۲. تهیه فهرستی از بازیگران؛
۳. نمایش ساختار رسمی: وظایف رسمی، قدرت و روابط بازیگران و قوانین جاری؛
۴. تعیین منافع، اهداف و برداشت بازیگران از مسأله؛
۵. ترسیم وابستگی‌های درونی بین بازیگران با ایجاد فهرست‌هایی از منابع و درگیری بازیگران با مسأله؛
۶. تعیین پیامدهای این یافته‌ها با توجه به ساختار مسئله (Hermans et al, 2010).

ریید و همکاران نیز فرایندی شامل سه مرحله و شش گام را به طور ساده و خلاصه بیان می‌دارد که معمولاً از طریق آن‌ها یک تحلیل بازیگر انجام می‌شود. لازم است که تحلیل بازیگر با درک متنی که در آن اجرا می‌شود، آغاز شود (مرحله ۱). بسیاری از تحلیل‌های بازیگر، از همان ابتدا، تمرکز مشخصی دارند، مثلاً وقتی که شناسایی می‌کنند چه کسی باید در یک سیاست خاص یا فرایند تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد. با این حال، وقتی که مرز و تمرکز موضوع از قبل مشخص نیست، لازم است که تمرکز روشنی با سیستم مشخصی از مرزها برای تحلیل بازیگر ایجاد شود (گام‌های ۱ و ۲). تنها در چنین متن مشخصی است که می‌توان کسانی را که تحت تأثیر تصمیمات مربوط به موضوعات تحت بررسی هستند و یا آن‌هایی که بر دیگران تأثیرگذار هستند را مشخص نمود (مرحله ۲، گام ۱). با این وجود، رویکردهای مشارکتی برای تحلیل بازیگر نیازمند مداخله بازیگران در شناسایی تمرکز و مرزها است و نیازمند یک رویکرد تکراری می‌باشد (شکل ۱) اما زمانی که محققین از قبل دانش جامعی درباره پدیده مورد بررسی دارند، ممکن است مشارکت بازیگران در گام شناخت بازیگران، ضروری نباشد (Reed et al, 2009:1933-1949).

پیشینه پژوهش

منوچهر منطقی و همکارانش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده‌پژوهی" بیان می‌دارد که امروزه استفاده از تحلیل بازیگر در طیف وسیعی از روش‌های مشارکتی و غیرمشارکتی سیاست‌گذاری فراگیر است و در محافل تحقیقاتی ارزش تکنیک‌های تحلیل بازیگر (تحلیل دینفع) در فرایند سیاست‌گذاری به خوبی شناخته شده است. با این وجود تحلیل بازیگر جزئی مغفول در مطالعات بومی سیاست‌گذاری و به‌ویژه مطالعات آینده‌پژوهی است و مقالات قابل‌ذکری در زمینه کاربرد این روش‌ها در حوزه سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی وجود ندارد.

قدیر فیروزنیا و همکارش (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان "به‌کارگیری تحلیل بازیگران در فرایند ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی" ضمن توجه به اهمیت نقش‌آفرینی بازیگران (ذی‌نفعان) متعدد، نشان دادند که تحلیل بازیگران به‌عنوان یک نظریه و رویکرد کاربردی می‌تواند در سطوح مختلف برنامه‌ریزی (کلان تا خرد)، از جمله برای ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور به‌کار رود. در این تحقیق با استفاده از گام نخست این رویکرد، بازیگران و ذی‌نفعان توسعه روستایی ایران در دو سطح کلان و خرد مشخص شدند.

طالبیان و همکارانش (۱۳۹۵) در مقاله "تحلیل بازیگران کلیدی مسئله بحران منابع زیر زمینی آب در سال ۱۳۹۵ کاربرد روش MACTOR بر اساس یافته‌های آینده‌پژوهی ایران"، بازیگران کلیدی تأثیرگذار بر مهمترین متغیر زیست‌محیطی ایران یعنی بحران منابع زیر زمینی آب را شناسایی نموده و با استفاده از روش مک‌تور تحلیل بازیگران مرتبط با این مسئله را انجام دادند. برای این کار ۶ بازیگر کلیدی و ۵ راهبرد اصلی در پاسخ به این مسئله شناسایی شده و همچنین قدرت نسبی بازیگران و نیز موافقت یا مخالفت آن‌ها با اهداف و اولویت هریک از اهداف از نظر آن‌ها شناسایی شده است.

کمالی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "تبیین روش‌شناسی تحلیل ذی‌نفعان و کاربرد آن در خط‌مشی‌گذاری عمومی" نشان داد که خط‌مشی‌گذاری عمومی دارای محیط بسیار پیچیده‌ای متشکل از کنش‌گران مختلف (از موافق تا مخالف) است و تحلیل طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان با منافع و سطح قدرت متفاوت مستلزم استفاده از یک چارچوب روش‌شناسی جامع و منعطف است. پیچیدگی محیط خط‌مشی‌گذاری عمومی و تعدد بازیگران این حوزه ایجاب می‌کند که تحلیل‌گران سیاست، مجهز به رویکردهای روش‌شناسی مناسب باشند. تحلیل ذی‌نفعان یکی از این روش‌هاست که بر وارد کردن نظرات ذی‌نفعان در فرآیند خط‌مشی‌گذاری تأکید می‌کند و این امر نقش مهمی در ارتقای فرآیند تصمیم‌گیری، اجرای سیاست‌ها و طرح‌های مصوب، مشروعیت‌بخشی به مسائل موردنظر و تقویت همکاری بین سازمان‌های دولتی و جامعه دارد. روش تحلیل ذی‌نفعان با تأکید بر شاخص امکان‌پذیری سیاست‌های عمومی، نقش مهمی برای معادله و روابط قدرت میان بازیگران مختلف در این زمینه قائل است. در این پژوهش با پرهیز از تکیه بر ابعاد نظری تحلیل ذی‌نفعان، سعی شده ابزارهای کاربردی برای استفاده از این روش در تحلیل سیاست‌های عمومی تبیین شوند.

همانگونه که در پیشینه آمده، علیرغم کارایی بالای روش تحلیل بازیگر (دینفع) در حوزه‌های سیاست‌گذاری و آینده‌پژوهی، این روش در حوزه جنگ و شناسایی بازیگران نظامی مورد استفاده قرار نگرفته است.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر رویکرد، کیفی و از نظر هدف، کاربردی است. همچنین از روش تحلیل بازیگر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است. تحلیل ذی‌نفعان خود یک فرآیند کامل با طیفی از ابزارها یا رویکردها برای درک یک سامانه است (فیروزنیا و همکارش، ۱۳۹۴: ۸۹۶) و برای هر بخشی شامل جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنها و ارائه نتایج، روش‌هایی متناسب با موضوع معرفی نموده است. لذا در این تحقیق، از بین روش‌های متعدد، برای جمع‌آوری داده‌ها، پنل خبرگی و مصاحبه نیمه ساخت‌یافته مورد استفاده قرار گرفته و برای تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج، گام‌های پیشنهادی زیر به عنوان گام‌های تحلیل بازیگران جنگ‌های زمینی آینده استفاده شده است:

گام نخست: شناسایی تمامی بازیگران، کنشگران و ذی‌نفعان؛

گام دوم: شناسایی جایگاه و اهمیت بازیگران؛

گام سوم: دسته‌بندی بازیگران مرتبط با جنگ زمینی آینده در منطقه مورد نظر؛

گام چهارم: شناسایی روابط بازیگران؛

گام پنجم: تعیین نقش بازیگران براساس اهداف و قدرت نظامی بازیگران.

جامعه این تحقیق، ۲۲ نفر از اساتید حوزه جنگ و ۹ نفر از مسوولین نظامی و انتظامی که حداقل یک‌سال در سه سال گذشته در منطقه شرق و جنوب شرق خدمت نموده‌اند، بودند.

در این پژوهش بازیگران به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است که تعریف عملیاتی آن عبارتست کنشگرانی که از ایجاد جنگ علیه ج.ا.ایران نفع می‌برند یا تأثیر می‌پذیرند و جمهوری اسلامی ایران متغیر وابسته و جنگ زمینی متغیر تعدیل‌کننده می‌باشد.

همچنین جمع‌آوری داده‌ها از دو طریق انجام گرفت. ابتدا، یک پنل تخصصی با ۱۱‌میز دو تا شش نفره از اساتید حوزه جنگ ارتش تشکیل گردید. که برای هر ۱۱‌میز در پنل در سه مرحله سه سؤال طرح گردید و در هر مرحله از میزها خواسته شد که نظر خبرگی خود را برای همه اعضای پنل بیان نمایند و در پایان نیز پس از دریافت یک نسخه از پاسخ‌ها، از ایشان خواسته شد که مجدداً سؤالات را به‌صورت جداگانه بررسی نموده و مجدداً پاسخ‌ها جمع‌آوری

گردید. در مرحله اول از میزها خواسته شد که یکی از مسأله خیزترین مناطق مرزی کشور را که شکل گیری جنگ در آن در آینده محتمل تر است را انتخاب نمایند که شش میز از یازده میز، منطقه شرق و جنوب شرق کشور را به عنوان مسأله خیزترین منطقه انتخاب کردند. لذا از پاسخ های این شش میز به عنوان بخشی از داده های تحقیق استفاده گردید و در طریق دوم با تعداد ۹ نفر از مسئولین ارشد مرتبط با موضوع تحقیق که حداقل یک سال در منطقه مورد مطالعه حضور کاری داشته و اشراف اطلاعاتی بالایی داشته اند، مصاحبه نیمه ساخت یافته انجام شد.

کاربرد تحلیل بازیگر در جنگ زمینی آینده

گام نخست: شناسایی تمامی بازیگران، کنشگران و ذی نفعان

با تهیه فهرستی از بازیگران کنشگران و ذی نفعان جنگ در منطقه مورد مطالعه، زمینه برای اجرای مراحل بعدی تحلیل بازیگر آماده می شود. نخستین گام در این زمینه سازماندهی خبرگان مورد نیاز است. بنابراین گروهی از متخصصان و صاحب نظران حرفه ای نیروی زمینی، نیروی انتظامی و از استادان دانشگاه فرماندهی و ستاد که اشراف اطلاعاتی کاملی از وضعیت منطقه شرق و جنوب شرق کشور داشتند، و سوگیری نسبت به موضوع نداشتند، برای تهیه فهرست کلیه بازیگران با هر درجه تأثیرگذاری، شناسایی و انتخاب گردیدند.

الف- نتایج میزهای پنل خبرگی:

براساس نتایج پنل تخصصی ۵۴ درصد از میزها یعنی شش میز از یازده میز منطقه شرق و جنوب شرق کشور را به عنوان مسأله خیزترین و مستعدترین منطقه برای ایجاد مناقشه و جنگ در آینده با توجه به روندهای موجود تشخیص دادند.

جدول (۳) نتایج نهایی شش میز پنل خبرگی

میز	تعداد خبرگان میز	بازیگران اصلی	چالش های منطقه
میز ۲	۲ نفر	ائتلاف تروریست ها، مداخلات خارجی	واگرایی قومیت های منطقه و وجود بستر مداخلات خارجی در پاکستان، افزایش فعلیت گروه های تروریستی، چالش ژئوپلیتیک، چالش امنیتی، دامن زدن به اختلافات دین و مذهبی، تناوب و شدت میزان تهدیدها
میز ۶	۴ نفر	رژیم صهیونیستی، گروه های معاند و	عدم توسعه در زمینه های متعدد و متنوع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، سرمایه گذاری گسترده رژیم صهیونیستی، گروه های

معاند ج.ا.ایران و وهابیت و سلفیت، نزدیکی به کشورهای بحران خیز پاکستان و افغانستان و کشورهای عربی تحت لوای عربستان، تراکم کم جمعیت در منطقه، نزدیکی به آبهای آزاد	وهابیت و سلفیت، ائتلاف عربی		
وجود محل‌های بکر و دست نخورده و ورود نیروهای فرا منطقه‌ای به دلیل وجود زیر ساخت‌های اقتصادی سیاسی و ...، انطباق با سواحل دریا و خشکی	نیروهای فرامنطقه‌ای، مردم بومی، گروهک‌های تارشگری، عربستان، اسرائیل، پاکستان	۴ نفر	میز ۸
دسترسی به آب‌های آزاد و سواحل مناسب جهت عملیات، مستعد بودن منطقه جهت بروز تنش به علت عدم توسعه پدافند داخلی، عدم وجود مراکز نظامی مهم به مقدار کافی، عدم وجود عوارض و موانع طبیعی و مصنوعی مهم، فعالیت‌های تبلیغی بعضی از کشورهای منطقه با تشکیل مدارس وهابیت	عربستان، گروه‌های تروریستی، کشورهای معاند	۳ نفر	میز ۹
عدم توسعه همه جانبه در منطقه و نبود فرصت‌های شغلی، مناسب برای افراد بومی در مناطق مرزی، کمبود بازارچه‌های مرزی و مبادلات اقتصادی در مناطق مرزی، عدم وجود راه‌های مناسب جاده‌ای در مناطق مرزی، راه داشتن به آب‌های آزاد و مرزهای آبی و نیز مرز خشکی با کشور پاکستان و همچنین عدم وجود ناهمواری‌ها و ارتفاعات و وجود سرزمین‌های هموار و پست برای عملیات‌های زمینی وجود محورهای مواصلاتی متعدد موجب می‌شود که زمین منطقه از نظر جنبه‌های تاکتیکی آسیب‌پذیر باشد	مردم محلی، کشورهای منطقه، پاکستان، وهابیت و سلفی‌گری	۳ نفر	میز ۱۰
انطباق مرز دریایی و خشکی و وسعت جغرافیایی، دارا بودن سواحل مناسب و طولانی، تنوع قومیتی و بافت جمعیتی و مذاهب مختلف و وهابیت و عناصر تکفیری، سواحل مناسب برای اجرای عملیات آبی- خاکی، منطقه مناسب جهت عملیات زیر سطحی، قدرت مانور یگان‌های شناور در این منطقه، نزدیکی به اقیانوس هند، مسلح کردن قبایل و طوایف منطقه داخلی	قبایل مسلح محلی، نیروهای فرامنطقه‌ای، وهابیت و عناصر تکفیری	۶ نفر	میز ۱۱

ب- نتایج مصاحبه با خبرگان:

تمام مصاحبه‌شوندگان محتمل‌ترین مناطق کشور برای شکل‌گیری جنگ زمینی در آینده را شرق و جنوب شرق کشور اعلام نمودند. همچنین مصاحبه‌شوندگان، بازیگران اصلی جنگ زمینی احتمالی در این منطقه را به شرح زیر برشمردند:

جدول (۴) بازیگران اصلی جنگ زمینی احتمالی در منطقه شرق و جنوب شرق کشور

بازیگران از نظر مصاحبه شوندگان	خبرگان مورد مصاحبه
گروهک‌های مخالف نظام، عربستان، آمریکا	مصاحبه شونده ۱
آمریکا، انگلستان، عربستان، سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس، رژیم صهیونیستی، گروه‌های معاند و مخالف نظام	مصاحبه شونده ۲
اشرار منطقه‌ای، داعش، طالبان، عربستان، آمریکا و نیروهای فرامنطقه‌ای، پاکستان	مصاحبه شونده ۳
گروه‌های معارض مسلح (داعش، نفاق، طالبان)، عربستان، کشورهای همسو با عربستان، اسرائیل، آمریکا، اقوام بلوچ تجزیه‌طلب	مصاحبه شونده ۴
داعش، طالبان و سایر گروه‌های تکفیری، اقلیت‌های قومی مذهبی، عربستان، اسرائیل، آمریکا	مصاحبه شونده ۵
آمریکا، اسرائیل، ناتو، ائتلاف عربی، ترکیه، عربستان، گروهک‌های معاند (طالبان و داعش)	مصاحبه شونده ۶
شبه نظامیان پاکستان و افغانستان (داعش، طالبان، القاعده)، پاکستان، عربستان، آمریکا، منافقین	مصاحبه شونده ۷
عربستان، ترکیه، پاکستان، افغانستان، هند، قطر، کشورهای حوزه خلیج فارس، داعش، وهابیت	مصاحبه شونده ۸
ائتلاف ضدتروریسم کشورهای عربی، وهابیت، نیروهای فرامنطقه‌ای، عربستان، کشورهای غربی	مصاحبه شونده ۹

گام دوم: شناسایی جایگاه و اهمیت بازیگران

با استفاده از ماتریس سنجش قدرت نظامی، نفوذ و منافع، میزان اهمیت و جایگاه بازیگران به تفکیک شناخته می‌شود. در این مرحله مشخص می‌شود که هر بازیگر در مقایسه با سایر بازیگران چه میزان قدرت نفوذ و جایگاه دارد.

جدول (۵) ماتریس قدرت نظامی - منافع بازیگران

بازیگران با قدرت نظامی بالا و منافع پایین	بازیگران با قدرت نظامی بالا و منافع بالا
بازیگران با قدرت نظامی پایین و منافع پایین	بازیگران با قدرت نظامی پایین و منافع بالا

جدول (۶) ماتریس سنجش قدرت نظامی - منافع بازیگران

میزان منافع	میزان قدرت نظامی	کلیه بازیگران / ذی نفعان
بالا	بالا	آمریکا
بالا	بالا	ناتو
بالا	بالا	رژیم صهیونیستی
نسبتاً پایین	بالا	شاخه‌های داعش
پایین	پایین	گروهک‌های تروریستی محلی
پایین	پایین	طالبان افغانستان
پایین	پایین	طالبان پاکستان
پایین	بالا	عربستان
پایین	بالا	ائتلاف عربی
پایین	بالا	ترکیه
نسبتاً بالا	نسبتاً بالا	گروهک منافقین
بالا	پایین	بلوچستان پاکستان
پایین	پایین	رادیکالیسم قومی و وهابیت
ندارد	بالا	هند
ندارد	بالا	پاکستان
ندارد	بالا	کشورهای همسایه شمالی

گام سوم: دسته‌بندی بازیگران مرتبط با جنگ زمینی آینده در منطقه مورد نظر یکی از مراحل حساس تحلیل بازیگران، دسته‌بندی بازیگران بر اساس نقش و وزنی است که در فرآیند جنگ ایفا می‌کنند. دسته‌بندی بازیگران این امکان را فراهم می‌آورد که بستر لازم برای ساماندهی گروه‌های هم‌سنخ و شناسایی بازیگران اصلی فراهم شود. معمولاً بازیگران اصلی و اساسی بر موفقیت یک برنامه، فعالیت یا پروژه تأثیر زیادی می‌گذارند.

جدول (۷) دسته‌بندی بازیگران

طبقات فرعی	طبقات اصلی	تیم اصلی
آمریکا	قدرت‌های مداخله‌گر	دسته‌بندی بازیگران اصلی جنگ زمینی احتمالی آینده
ناتو		
رژیم صهیونیستی		
شاخه‌های داعش	گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی	
گروهک‌های تروریستی محلی		
طالبان افغانستان و طالبان پاکستان	قدرت‌های رقیب	
عربستان		

ائتلاف عربی		
ترکیه		
گروهک منافقین	گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فروملی	
بلوچستان پاکستان	تجزیه طلبان	
رادیکالیسم قومی و وهابیت		

در این گام، بازیگران جنگ زمینی آینده، در پنج دسته عمده، دسته‌بندی شده‌اند:

الف) قدرت مداخله‌گر

در نظام تک‌قطبی جهان کنونی، ایالات متحده آمریکا، برای حفظ منافع خود در سطح جهان و همچنین هژمونی و امپراتوری که برای خود قائل هستند، خود را ملزم به مداخله در امور سایر کشورها می‌دانند. درکنار آمریکا، ناتو و رژیم صهیونیستی نیز دارای منافع مشترک هستند و به عنوان هم‌پیمان آمریکا شناخته می‌شوند. بر این مبنای ایالات متحده و هم‌پیمانانش، به‌عنوان قدرت‌های مداخله‌گر در نظر گرفته شده است که در شکل‌دهی و کنترل نظم‌های منطقه‌ای، نقشی تعیین‌کننده دارند.

ب) قدرت‌های رقیب

عدم وجود نظم منطقه‌ای مشخص در منطقه غرب آسیا، کشورهای قدرتمند این منطقه سعی دارند تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. لذا کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران از تقویت نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه احساس نگرانی دارند. بنابراین رقابت با جمهوری اسلامی ایران در تأثیرگذاری بر منطقه و همچنین مقاومت در برابر تأثیرپذیری، موجب بروز اختلاف بین این کشورها شده است. بیشتر کشورهای منطقه بخصوص کشورهای عربی به دنبال حفظ نظام دیکتاتوری خود هستند و برخی نیز به دنبال دموکراسی غرب‌محور می‌باشند. از مهم‌ترین اهداف مشترک آمریکا، ترکیه و عربستان سعودی هدایت تحولات جهان عرب به مسیر دلخواه و در نهایت تغییر توازن قوای منطقه‌ای به سود خود است. در این زمینه، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در تلاش هستند از ایجاد تغییرات سیاسی در کشورهای متحد ایران حمایت و با تغییرات در کشورهایی که به سود جمهوری اسلامی ایران تمام می‌شود مخالفت کنند.

ج) گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی

با وجود سابقه طولانی، نقطه عطف در تاریخ گروه‌های ضدسیستمی به دوران جنگ سرد و پس از آن، به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باز می‌گردد. این گروه‌ها در ورای مرزهای یک دولت خاص و مخالفت با ساختار و مرزهای شبکه منطقه‌ای یا جهانی شکل گرفته و به صورت تهاجمی عمل می‌نمایند.

وجه تمایز گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی در مقایسه با گذشته، در قدرت‌گیری، نفوذ و دستیابی این گروه‌ها به فناوری و تسلیحات و منابع مالی است که تا پیش از آن در انحصار دولت‌ها بوده است؛ این امر، توان تجزیه و ترکیب گروه‌های ضدسیستمی را در مناطق آشوب افزایش داده است به گونه‌ای که قابلیت تشکیل حکومت دارند. گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی می‌توانند به‌عنوان ابزاری ازسوی قدرت‌های مداخله‌گر برای انشقاق‌سازی، ترکیب واحدها یا تجزیه آنها استفاده شوند؛ همچنین این گروه‌ها در وضعیت بن‌بست استراتژیک، میان قدرت‌های اصلی یا قدرت‌های منطقه‌ای، جنگ‌های نیابتی کاربرد دارند. گروه ضدسیستمی یک کنشگر غیردولتی، خواهان تغییر در زیربنای منطقی، یا دست‌کم، ساخت فیزیکی سیستم ملی، منطقه‌ای یا جهانی است.

د) گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی (منافقین)

این گروه‌ها درون مرزهای یک دولت خاص و در سطح اجتماعی و مخالفت با ساختار شبکه ملی شکل می‌گیرند. این گروه‌ها نسبت به گروه‌های ضدسیستمی تهاجمی فراملی منافع بسیار بیشتر و اهداف قوی‌تری برای اقدام نظامی دارند ولی برای اقدام نیاز به حمایت کشورهای دیگر دارند. سطح اقدام آنها نیز در سطح کمتری است.

و) تجزیه‌طلبان

این دسته از بازیگران خواستار یک خودمختاری و شکل‌گیری یک کشور مستقل هستند. لذا بخشی از یک یا چند کشور که دارای ویژگی‌های یکسان نژاد، قومیت، زبان و فرهنگ هستند، وارد فاز جدیدی از خشونت با ایجاد یک جنبش چریکی طولانی‌مدت می‌شوند. در این هنگام چشم انداز جنگ تمام کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

گام چهارم: شناسایی روابط بازیگران

مطالعه رفتار بازیگران و تعامل هر بازیگر با سایر بازیگران یا تعارض منافع یا ائتلافی که ممکن است میان تعدادی از بازیگران در فرآیند اجرا شکل بگیرد، ماهیت و عمق روابط موجود را شناسایی می‌کند. از این روابط می‌توان بستر مناسبی برای ساماندهی و تقویت نقش بازیگران اصلی فراهم کرد.

جدول (۸) روابط بین بازیگران

روابط بیرونی	روابط درونی	بازیگران
قدرت مداخله‌گر بازیگر مستقیم و سایر بازیگران بازیگر نیابتی نسبت به مداخله‌گر	آمریکا بازیگر مستقل اصلی، ناتو و اسرائیل هم‌پیمان وابسته با آمریکا	قدرت مداخله‌گر
قدرت رقیب بازیگر نیابتی قدرت مداخله‌گر و سایر گروه‌ها بازیگر نیابتی قدرت رقیب	عربستان بازیگر اصلی کشورهای عربی هم‌پیمان وابسته به عربستان	قدرت‌های رقیب
بازیگر نیابتی	داعش بازیگر اصلی و سایر گروه‌ها وابسته	گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی
بازیگر مستقیم و نیابتی	منافقین بازیگر اصلی و سایر مخالفین نظام وابسته	گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی
بازیگر مستقیم و نیابتی	تجزیه‌طلبان خارجی بازیگر اصلی و تجزیه‌طلبان داخلی بازیگر وابسته	تجزیه‌طلبان

گام پنجم: تعیین نقش بازیگران براساس اهداف و قدرت نظامی بازیگران

در آخرین گام از تحلیل بازیگران جنگ زمینی آینده علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه مورد مطالعه، شناسایی نقش هریک از بازیگران است. این نقش بر اساس اهداف بازیگران و قدرت نظامی هر بازیگر شناسایی می‌شوند که برای شناسایی قابلیت‌های بازیگران و در نهایت شناسایی قابلیت‌های جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد آمادگی لازم جهت ایجاد بازدارندگی یا جلوگیری از غافل‌گیری در مقابل اقدامات ممکن و محتمل بازیگران شناسایی شده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول (۹) نقش بازیگران جنگ بر اساس اهداف و قدرت نظامی بازیگران

نقش	بازیگران
قدرت نظامی محرک، حضور مستقیم و غیرمستقیم در جنگ، حمایت مالی و اطلاعاتی، تامین‌کننده سلاح و تجهیزات	قدرت مداخله‌گر
حمایت ایدئولوژیکی، مالی، حضور مستقیم و غیرمستقیم	قدرت‌های رقیب

جنگنده مستقیم، تخریب، اقدامات تروریستی	گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی
جنگنده مستقیم، ستون پنجم، اقدامات تروریستی	گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فروملی
جنبش چریکی طولانی‌مدت، پشتیبانی ژئوپلیتیکی و اقتصادی	تجزیه‌طلبان

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جمهوری اسلامی ایران در منطقه آشوب‌زده غرب آسیا، همواره با تهدید به گزینه نظامی مواجه است و منطقه شرق و جنوب شرق ایران نیز از وضعیت بسیار مستعدی برای شکل‌گیری مناقشه و ایجاد جنگ‌های نوین در آینده برخوردار خواهد بود که این جنگ‌های احتمالی، دارای ابهام و عدم قطعیت در نوع بازیگران از نظر هدف، سطح دسترسی به تسلیحات و فناوری، و چگونگی جنگیدن است. در این تحقیق از روش تحلیل بازیگران برای پاسخ به سؤالات تحقیق به شرح زیر استفاده شده است:

سوال اول: بازیگران احتمالی جنگ‌های زمینی آینده علیه ایران و نوع‌شناسی آنها در منطقه

شرق و جنوب شرق ایران کدامند؟

پاسخ: بازیگران جنگ‌های زمینی آینده در پنج نوع شامل قدرت‌های مداخله‌گر، قدرت‌های رقیب، گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی، گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فروملی و تجزیه‌طلبان طبقه‌بندی شدند.

سوال دوم: نقش هر یک از بازیگران جنگ زمینی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق ایران

چیست؟

پاسخ: باتوجه به نتایج تحقیق، نقش هر یک از بازیگران براساس اهداف و نیز قدرت نظامی‌شان تعیین می‌گردد. قدرت‌های مداخله‌گر، با بیشترین قدرت نظامی و نفوذ، از نقش مهمتری نسبت به سایر بازیگران برخوردار است. ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش ناتو و رژیم صهیونیستی به عنوان بازیگران مداخله‌گر و فرامنطقه‌ای با نقش‌های مستقیم، حمایتی، اطلاعاتی و غیر مستقیم در منطقه حضور خواهند یافت. سرویس‌های اطلاعاتی قدرت مداخله‌گر به‌ویژه رژیم صهیونیستی نقشی بسیار مهم خواهند داشت. لذا می‌توان جنگ آینده را ترکیبی از جنگ نیابتی و جنگ مستقیم در منطقه دانست.

قدرت رقیب عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب و به همراه ائتلاف عربی علاوه بر مشارکت مستقیم در جنگ، نقش حمایتی مالی، تجهیزاتی و آموزش دادن به نیروهای جنگنده و سایر

پشتیبانی‌های مورد نیاز را انجام خواهند داد و همچنین هدایت اقدامات تروریستی را نیز برعهده خواهند داشت. ترکیه نیز به عنوان یک قدرت رقیب منطقه‌ای به فراخور شرایط اقدامات حمایتی خواهد داشت.

گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی و گروه‌های ضد سیستمی تهاجمی فراملی و تجزیه‌طلبان منطقه مهم‌ترین بازیگران خط مقدم نیروهای متخاصم را تشکیل خواهند داد.

سوال سوم: روابط حاکم بین بازیگران جنگ زمینی آینده در منطقه شرق و جنوب شرق

ایران چیست؟

پاسخ: هر دسته از بازیگران دارای روابط درونی بین خود و روابط بیرونی با سایر دسته‌هاست. در دسته مداخله‌گر، در روابط درونی، آمریکا به عنوان بازیگر مستقل اصلی، ناتو و اسرائیل هم پیمان وابسته به رفتار آمریکا عمل خواهد نمود و در روابط بیرونی، سایر بازیگران، بازیگر نیابتی نسبت به قدرت مداخله‌گر خواهند بود. در دسته قدرت رقیب، در روابط درونی عربستان و ترکیه بازیگر مستقل و کشورهای عربی وابسته به عربستان هستند. و در روابط بیرونی، قدرت رقیب رابطه محرک نسبت به گروه‌های ضدسیستم و تجزیه‌طلب و رابطه نیابتی قدرت مداخله‌گر دارد. سایر دسته‌ها نیز علاوه بر اینکه براساس اهداف خود عمل خواهند کرد به نیابت از قدرت رقیب و مداخله‌گر وارد جنگ خواهند شد.

با توجه به گستردگی مرزهای جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات مشابهی در سایر مناطق کشور قابل انجام است. همچنین شناسایی قابلیت‌های بازیگران شناسایی شده، به عنوان مکمل این تحقیق، راه‌گشای شناخت قابلیت‌های مورد نیاز نیروهای مسلح ما برای کسب آمادگی در جنگ‌های احتمالی آتی خواهد بود.

منابع

- طالبیان، حامد، مولایی، محمد مهدی، و ارشدی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیل بازیگران کلیدی مسئله بحران منابع زیر زمینی آب در سال ۱۳۹۵ کاربرد روش MACTOR بر اساس یافته‌های آینده‌پژوهی ایران. کنفرانس ملی دیده‌بانی آینده زمین با محوریت آب و هوا، کشاورزی و محیط زیست، شیراز، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متانا).
- فیروزنیا، قدیر. و قرنی آرانی، بهروز. (۱۳۹۴). به‌کارگیری تحلیل بازیگران در فرآیند ساماندهی نظام مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه روستایی. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۴.
- قاسمی، فرهاد. و عین‌الهی معصوم، بهرام. (۱۳۹۵). شکل‌گیری گروه‌های ضدسیستمی در شبکه ژئوپلیتیک جهان اسلام، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۴ (۸): ۴۲-۱.
- کمالی، یحیی. (۱۳۹۴). تبیین روش‌شناسی تحلیل ذی‌نفعان و کاربرد آن در خط‌مشی‌گذاری عمومی. فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، ۲۸ (۴).
- گریفیتس، مارتین. (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- منطقی، منوچهر، سیف‌الدین، امیرعلی، اکبرپور شیرازی، محسن. و زارع میرک آباد، علی. (۱۳۹۳). بررسی جایگاه تحلیل بازیگر در مطالعات آینده‌پژوهی، اولین کنفرانس بین‌المللی ابزار و تکنیک‌های مدیریت، تهران، موسسه اطلاع‌رسانی نارکیش.
- Bryson, J. M. (2003). What To Do When Stakeholders Matter: A Guide to Stakeholder Identification and Analysis Techniques. *presented at the National Public Management Research Conference*. The Georgetown University Public Policy Institute, Washington, D. C.
- Clarke, T., Clegg, S. (1998). *Changing Paradigms: the Transformation of Management Knowledge for the 21st Century*, London: Harper Collins.
- Conflicts Tell Us About Early 21st Century Warfare, *Northrop Grumman Corporation, USA*.
- Currie, Russell R., Seaton, Sheilagh, Wesley, Franz (2009). Determining Stakeholders for Feasibility Analysis, *Annals of Tourism Research*, Vol. 36, No. 1, PP. 41-63.
- Freeman, R. E. (2010). *Strategic management: A stakeholder approach*. Basic Books, New York.
- Frooman, J. (1999). Stakeholder influence strategies. *Academy of Management Review*, 24: 194-205.
- Grimble, R. & Wellard, K. (1997). Stakeholder methodologies in natural resource management: a review of concepts, contexts, experiences and opportunities, *Agricultural Systems*, 55: 173-193.

- Hermans, L. M. & Thissen, W. A. (2009). Actor analysis methods and their use for public policy analysts. *European Journal of Operational Research*, 196 (2): 808-818.
- Hermans, L., Kwakkel, J., Thissen, W., Koppenjan, J. & Bots, P. (2010). *Policy analysis of multi-actor systems*. The Hague :Lemma.
- Horisch, J., Freeman, R., Edward Schaltegger, S. (2014). Applying Stakeholder Theory in Sustainability Management: Links, Similarities, Dissimilarities, and a Conceptual Framework, *Organization & Environment*, published online, PP. 1-19.
- Jepsen, A. L. & Eskerod, P. (2009). Stakeholder Analysis in Projects: Challenges in using current guidelines in the real world, *International Journal of Project Management*, 27: 335-343.
- Johnson, N., Lilja, N., Ashby, J. A & Garcia, J. A. (2004). The practice of participatory research and gender analysis in natural resource management. *In Natural Resources Forum*, 28 (3): 189-200.
- Ramos, J. S., Miguel, N., Whitmarsh, D. & Costa, M. C. (2011). Stakeholder Analysis in the Portuguese Artificial Reef Context: Winners and losers, *Brazilian Journal of Oceanography*, 59 (special issue CARAH: 133-143.
- Reed, M. S., Graves, A., Dandy, N., Posthumus, H., Hubacek, K., Morris, J. & Stringer, L. C. (2009). Who's in and why? A typology of stakeholder analysis methods for natural resource management. *Journal of environmental management* 90 (5): 1933-1959.
- Schulz, M. (2017). *The Middle East's future: US, Saudi Arabia and ISIS, three key players*. German Politicsmeanspolitics.